



2 اکتوبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

## دست های مرموز در شهادت میوندوال

(بخش اول)

### پیشگفتار:

هنوز دو بخش از جمله چهار بخش نوشته اینجانب تحت عنوان "چرا محمد داؤد دوست دیرینه خود را از حلقه قدرت دور کرد؟" بتاریخ 16 جولای 2020 در این پورتال وزین اقبال نشر یافته بود که محترم جناب انجنیر صاحب کلیوال در ستون نظر یابی سئوالی را از این کمترین مطرح کردند به این عبارت که:

«آیا کشف پلان کودتای محمد هاشم میوندوال توسط همین گروپ جمهوری خواهان (جناح چپ کودتا) صورت گرفته بود و یا که توسط طرفداران شخص شهید داوود خان و آیا از بین بردن هاشم میوندوال بحیث حریف عمده گروپ داکتر صاحب شرق (پرچمیهای مخفی) که «پلان داشتند شهید داوود خان را درقید نظر داشته باشند» یک هدف اساسی نه بود تا جلو نزدیکی میوندوال را با سردار صاحب گرفته باشد؟ اگر درزمینه معلومات نزد جناب شما موجود باشد و ارایه داشتید، مطمئنم که ده ها سوال جواب خواهند یافت.»

به انجنیر صاحب وعده سپردم که در ارتباط با سؤال شان انشاء الله به زودی جواب خواهم گفت و درنظر داشتم این موضوع را در اوایل ماه میزان به سلسله در چند بخش در این پورتال به نشر بسپارم که اینک موقع آن فرار رسیده تا به سؤال جناب انجنیر صاحب کلیوال جواب ارائه دارم.

قبل از پرداختن به این موضوع لازم میدانم چند نکته را خدمت هموطنان عزیز و خوانندگان گرامی به عرض برسانم: از مدتیست که بعضی ها از شهادت میوندوال به اصطلاح "پیراهن خون پر حضرت عثمان (رض)" ساخته اند تا بدانوسیله شخص محمد داؤد را مورد نکوهش قرار دهند. در این مدت موضوع آنقدر پر پیچ و تاب و مملو از بحث های اینطرف و آنطرف گردیده که بررسی اصل موضوع یعنی کودتا را تحت الشعاع قرار داده و آنرا به حاشیه برده است، طوریکه به ادعای بعضی ها گویا اصلاً کودتایی در راه نبوده و آنرا صرف یک دسیسه نظام دانسته اند.

جای شک نیست که شهید میوندوال یکی از شخصیت های نامدار کشور محسوب میشود، ولی در ردیف صدراعظم های دوره دموکراسی کسانی دیگر نیز بوده اند که بطور مقایسوی از جوانب مختلف کمتر از میوندوال نبوده و بدون کدام اتهام مشخص بوسیله دشمنان وطن جام شهادت نوشیده اند و اما کمتر در باره آنها با چنان و آب و تاب داستانها نوشته شده است، چنانکه عده ای در مورد شهید میوندوال قلمفرسایی کرده اند. دلیلش واضح است که هدف نه برآزندگی شخصیت ها و خدمات شان، بلکه وسیله تبلیغ این و آن بوده است. امید وارم عمر وفا کند و روزی بتوانم کارکردهای چهار صدراعظم دهه دموکراسی را بطور مقایسوی بررسی نمایم تا حقایق آشکار شود و رجحان یکی بر دیگر روی ترازوی انصاف قرار گیرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

علاوتاً این کمترین به حیث یک محقق کوچک تاریخ معاصر کشور وظیفه خود دانسته و میداند تا حتی المقطور پرده از ابهامات مسائل و رویدادهای تاریخی بردارد و آنرا فراتر از حب و بغض های معمول بررسی نماید و ترسی ندارد که کی ها از ابراز نظرهای این کمترین خوش و یا خفه میشوند. چون هدف تلاش برای دریافت حقیقت تاریخی است، لذا نارضایتی ها و آزردهای اینطرف و آنطرف را باید متحمل شد و کوشید راه مقصود در پیش گرفته شود. باید اذعان دارم که با موقف های اشخاص اعم از موافقان و مخالفان در موارد خاص خوب آشنا هستم که حتی بعضی شان در ردیف دوستان شخصی ام قرا دارند، ولی دوستی ها بجای خود و ابراز حقایق بجای خود.

در مورد بررسی رویداد کودتای مسمی به "میوندوال" نیز با رعایت همین شیوه پرداخته ام که آنرا بطور مختصر در کتاب "زندگی سیاسی شهید محمد داؤد" (جلد دوم، بخش نهم، فصل اول "توطئه ها علیه نظام" و عنوان فرعی "کودتای مسمی به میوندوال" از صفحه 597 تا 621) گنجانیده و نیز درختم همین جلد درضمیمه اسناد منتشره مربوط به اعترافات متهمان را اعم از آدیویی و نوشتاری درج نموده ام که اینک با کمی تفصیل، آن مطالب را به جواب سؤال فوق الذکر محترم جناب انجنیر صاحب کلیوال و دیگر علاقمندان موضوع در چند بخش تقدیم میدارم:

نوت: (کتاب زندگی سیاسی شهید محمد داؤد سال گذشته در ماه جولای به تیراژ یک هزار جلد بوسیله مطبعه "عازم" در کابل در سه جلد و جمعاً 1300 صفحه به طبع رسید و در آنجا قابل دسترسی میباشد و صرف به تعداد بسیار کم نسخ آنرا با پرداخت مصارف گزاف پستی در اینجا بدست آورده و خدمت بعضی دوستان تقدیم داشتم.)

#### پاکستان - عامل اصلی توطئه ها:

بررسی روابط سیاسی افغانستان و پاکستان چه در زمان صدارت و چه در دوره جمهوری محمد داؤد یکی از مباحث جنجال برانگیز و در عین حال مغلق است که نمیشود آنرا در این مختصر گنجانید، بلکه ایجاب نوشتن یک کتاب را میکند. خوشبختانه یکی از مأخذ مستند، عمیق و همه جانبه در این زمینه همانا کتاب مرحوم عبدالصمد غوث - دیپلمات شناخته شده ای افغان و معین سیاسی وزارت خارجه افغانستان در عهد جمهوری است که تحت عنوان "سقوط افغانستان" نخست به زبان انگلیسی به نشر رسید و در سال 1999 بار اول به دری و پشتو ترجمه و در پشاور بوسیله کتابخانه سبا چاپ گردید. در فصل پنجم کتاب بحث روی موضوع روابط سیاسی افغانستان با پاکستان از پایان جنگ جهانی دوم تا اعلام جمهوری (کودتای 26 سرطان 1357) بیشتر از 50 صفحه را دربر میگیرد و در فصل هفتم در حدود 60 صفحه کتاب به همین موضوع در دوره جمهوری محمد داؤد اختصاص یافته است. هدف از این مقدمه آنست تا بحث از ساحت وسیع تر موضوع به یک ساحت اختصاصی تر محدود گردد:

با مطالعه دومین نامه ارسالی محمد داؤد عنوانی سرمنشی ملل متحد میتوان به عمق کشیدگی ها بین افغانستان و پاکستان بعد از اعلام نظام جمهوری در کشور پی برد و اما این روابط بجای بهبود باز هم در اثر تلاشهای ممتد جهت سقوط نظام جدید در کشور که گفته می شد دست پاکستان در آن دیدخل است، باز هم بیش از پیش رو به تشنج میرفت. چنانکه محمد داؤد در برابر یک سؤال نماینده روزنامه "تایمز آف اندیا" در زمینه گفت: «البته روابط ما با پاکستان کاملاً روشن است؛ پاکستان همیشه مخصوصاً بعد از تأسیس نظام جمهوری در افغانستان کوشش نموده است تا در افغانستان نا آرامی ایجاد کند و پروپاگند آنها دوام دارد که هدف پروپاگند پاکستان دو چیز است: یکی آنکه میخواهد ذهنیت دنیا را نسبت به افغانستان معشوش سازد و از طرف دیگر بدینوسیله میخواهد نا آرامی ها و بدبختی

های داخل کشور خود را از نظرها بیوشاند....» (متن مکمل مصاحبه در کتاب: "بیانات، پیامها... شاغلی رئیس دولت و صدراعظم از 26 سرطان 1353 تا 26 سرطان 1354"، موضوع شماره 9، صفحه 5)

آنچه بر معلق شدن روابط بین دو کشور بیشتر اثر منفی گذاشت، همانا ادعای دولت افغانستان مبنی بر دست داشتن پاکستان در راه اندازی به اصطلاح "کودتا ها" جهت براندازی نظام جدید بود، چنانکه در ابلاغیه مورخ 31 سنبله 1352 به ارتباط پلان کودتای که بنام شهید میوندوال شهرت یافت و در واقع مبتکر اصلی آنرا میتوان خان محمد خان مرستیال دانست، منعکس گردید. از آن به بعد تلاشهای متواتر از طرف اشخاص و گروههای دیگر نیز در این راستا صورت گرفت که ریشه های عمیق آنرا در تحریکات و حتی اقدامات آشکار مراجع پاکستانی سراغ کرد.

ناگفته نماند که در داخل افغانستان رقابت های شدید بین دوجناح سیاسی متضاد یعنی جناح چپ افراطی بخصوص حزب دموکراتیک خلق (خلق و پرچم) با جناح راست افراطی بخصوص "جنبش جوانان مسلمان" میراثی بود که از دهه دموکراسی انتقال یافته بود و شمول یک تعداد وابستگان چپ افراطی طی سال اول در نظام جمهوری و نفوذ آنها در دستگاه دولت موجب برانگیخته شدن احساس جناح راست افراطی گردید و آنها در برابر نظام جمهوری موقف خصمانه گرفتند و با تبلیغات وسیع برضد آن پرداختند. در عین زمان همین رقابت های جناحی سابق بین آنها موجب گردید تا وابستگان جناح چپ با استفاده از مقامهای خود بر جناح رقیب فشار بیاورند و آنها را حتی المقدور در صحنه سیاسی افغانستان تضعیف نمایند. اینجاست که جمهوری جوان و شخص محمد داؤد در وسط فشار این دو قطب قرار گرفت و واضح بود که در پشت پرده دست های از بیرون در این کشمکش پنهان و خطیر فعالیت داشتند، طوریکه شوروی غیرمستقیم در پس جناح چپ شامل در کودتا و پاکستان غیرمستقیم در حمایت از جناح راست به گونه ای فعال بودند. اما محمد داؤد در چنین وضعی شکننده که نظام جمهوری در آغاز با آن مواجه بود، نمیتوانست دفعتهاً هر دو قدرت رقیب را در جایش بنشانند و مجبور بود تا حدی از مؤتلفان کودتاچی خود خاطرخواهی کند، چنانکه در گزارش ارسالی سفارت امریکا به وزارت خارجه آن کشور به این وضع به صراحت اشاره شده است و نیز محمد داؤد در یک بیانیه خود، چنانچه در بالا تذکر رفت، به صراحت گفت که: «پاکستان همیشه مخصوصاً بعد از تأسیس نظام جمهوری در افغانستان کوشش نموده است تا در افغانستان نا آرامی ایجاد کند.»

### سه رویداد مهم در فاصله چند روز:

نکته قابل توجه و دقت اینست که چگونه سه رویداد مهم در آنوقت طی چند روز در رابطه با مسائل افغانستان واقع شدند: یکی ارسال تلگرام سفارت امریکا درباره آینده رژیم داؤد خان بتاريخ 17 سپتمبر، دیگر سفر رسمی بوتو به امریکا در روزهای 18 و 19 سپتمبر و سوم حادثه بازداشت یک عده شخصیت ها به اتهام راه اندازی یک کودتا (مسمی به کودتای میوندوال) علیه رژیم جمهوری در کابل به روز 29 سپتمبر 1973 (9 میزان 1352 ش).

### 1 - گزارش سفارت امریکا و پیشبینی یک ضد کودتا:

تلگرام شماره 7655، مورخ 17 سپتمبر 1973 سفارت امریکا در کابل عنوانی وزارت خارجه آن کشور احتمال وقوع حوادث و رویداد ها از جمله کودتا ها را علیه رژیم جدید جمهوری در افغانستان مورد پیشبینی قرار داده بود. در یک قسمت این گزارش چنین آمده بود: دو ماه بعد از کودتا، با آنکه داؤد در رأس رژیم جدید قرار دارد، مگر هنوز هم به صورت کامل در کنترل اوضاع نیست.....و

سایه ای یک کمیته مرکزی بر وی قرار دارد که پر از صاحب منصبان جوان عسکری است که کودتا را با وی پلان و عملی کردند. اکثریت این صاحب منصبان حد اقل چندین سال را در اتحاد شوروی برای تعلیمات عسکری گذرانده اند و بدون شک زیر تأثیر موفقیت های رژیم شوروی رفته اند که در اساس و اصول با نظریات محمد داؤد تفادت کلی داشته است.

نکته بسیار قابل توجه در گزارش پیشبینی یک ضد کودتا بود که احتمالاً از جانب جناح چپ کودتا و یا جناح مخالف رژیم به وقوع خواهد پیوست، طوری که در گزارش با این عبارات بیان شده است که: «این احتمال شدید وجود دارد که قبل از این که خطوط اصلی این رژیم مشخص شود، در ظرف چند هفته آینده یک ضد کودتا صورت خواهد گرفت. این ضد کودتا احتمالاً توسط یکی از سه جانب ذیل اجراء خواهد شد:

یک - احتمال دارد که تحمل و حوصله گروه صاحب منصبان جوان در مورد رهبری احتیاط آمیز داؤد به سر برسد و دست به یک ضد کودتا زده وی را با شخص مورد اعتماد خود تعویض نمایند؛

دو - صاحب منصبان بلند رتبه عسکری و پولیس رژیم سابقه که از مسیر حرکت این رژیم پریشان هستند و برکنار شدن خود را از قدرت تحمل کرده نمیتوانند، شاید برای این که دوباره به قدرت برسند، با استفاده از یک نوع مناسبات نظام شاهی دست به یک ضد کودتا بر ضد دولت داؤد بزنند؛ و

سه - اتفاق نظر وسیع موجود است که شخص داؤد آهسته آهسته و خاموشانه خود را در موقعیتی قرار دهد که با یک حرکت، یک تعداد از این صاحب منصبان جوان را از قدرت بیرون نموده و موقعیت خود را در رأس قدرت تثبیت و مستحکم سازد...» این همان سناریوی واقعی بود که به آهستگی اما قدم بوسیله محمد داؤد در پیش گرفته شد. (متن مکمل این گزارش تحت عنوان "آینده رژیم داؤد" - گزارش شماره 6755، مورخ 17 سپتمبر 1973، ترجمه: احمد فواد ارسلان، منتشره افغان جرمن آنالین، مورخ 24 جنوری 2016)

## 2 - سفر بوتو به امریکا برای هدف خاص:

فواد ارسلان در یک مقاله دیگر خود به ترجمه یک قسمت از اسناد مربوط به مذاکرات رسمی ذوالفقار علی بوتو صدراعظم آنوقت پاکستان پرداخته که طی سفرش به امریکا (بتاریخ 18 و 19 سپتمبر 1973) با رئیس جمهور نکسن و دیگر مقامات ارشد امریکائی بخصوص در رابطه با رویداد های افغانستان ابراز نگرانی کرده است.

بوتو حین مذاکرات خود با ریچارد نکسن رئیس جمهور وقت امریکا مطالبی را بیان کرد که محتوای آنرا میتوان در یک جمله چنین خلاصه کرد: «به داؤد باید یک درس داده شود!!» بوتو با شیطننت خاصی که خصلت همیشگی سیاسیون پاکستان است، سعی میکرد تا خطرات ناشی از تحول در افغانستان را به نحوی به امریکائی واضح سازد و ذهنیت آنها را در برابر نظام جمهوری جدید افغانستان به نفع خود تغییر دهد. (برای شرح مزید دیده شود: مقاله "تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها!"، احمد فواد ارسلان، افغان جرمن آنالین، مورخ 6 فبروری 2016)

با ابراز این نوع نگرانی ها، بوتو میخواست برای مداخله غیرمستقیم کشورش در امور داخلی افغانستان و از بین بردن نظام جدید جمهوری و یا لاقلاً ایجاد مشکلات در نظام و بی ثباتی در افغانستان ذهنیت سازی کرده و حمایت امریکا را در این زمینه به نفع خود جلب کند، اما امریکائی ها چنانکه در

راپورسفارت امریکا تذکر رفته است، تحول در افغانستان را به گونه ای مثبت و با امیدواری به آینده نگاه میکردند و جوابی سرد به بوتو دادند.

یکی از اولین همچو رویدادها همانا کشف کودتایی بود که گویا به رهبری محمد هاشم میوندوال (سابق صدر اعظم) در ظرف تقریباً دو ماه پس از کودتای 26 سرطان در حال شکل گیری بود که اینک با ذکر مختصر آن پرداخته میشود:

### 3- انتشار ابلاغیه های حکومت مبنی بر اقدام به کودتا علیه رژیم جدید جمهوری:

حکومت پس از گذشت تقریباً سه ماه از اعلام نظام جمهوری در کشور دو ابلاغیه را به پشتو و دری از طریق رادیو و جراید دولتی بتاریخ 31 سنبله 1352 با متن ذیل به نشر سپرد:

«ابلاغیه اول: از مدتی به اینطرف حکومت پاکستان غیر عادلانه و یکجانبه ادعا میکند که افغانستان در

امور داخلی پاکستان مداخله میکند. حالانکه دسیسه در افغانستان کشف میگردد که نظر به دلایل قوی تحریکات پاکستان در آن دخیل است. بحیث حکومت یک مملکت صلح دوست که غیر از صلح در وطن خویش و در منطقه و در جهان چیزی نمیخواهد، جداً خواهش میکند تا حکومت پاکستان بار دوم به این گونه اعمالیکه منجر به برهم خوردن صلح منطقه و بالاخره صلح جهانی میگردد، اقدام ننماید.»



«ابلاغیه دوم: از چندی باینطرف دسته ارتجاعیون به ضد نظام جمهوری برای برهم زدن امنیت و از بین بردن نهضت انقلابی وطن پرستان تشکیل جلسه میدادند. دوستان انقلاب با تمام برده باری و حوصله متوجه اوضاع این خائنین بودند. خوشبختانه و موفقانه اوشان را با تمام اسناد و شواهد دستگیر نمودند. با اینکه تمام مردم افغانستان وقتیکه از حامیان ارتجاع نام برده میشود، چهره های این اشخاص در مقابل چشم های شان نمودار میگردد. اما برای اینکه خویش

مقابل چشم های شان نمودار میگردد. اما برای اینکه خویش از حقیقت واقف گردند، اینها عبارت اند از: محمد هاشم میوندوال، خان محمد والی سابق ننگرهار، دگر جنرال متقاعد عبدالرزاق با یکتعداد اشخاص دیگر که روز پنجشنبه گذشته به امر حکومت گرفتار شدند.» (برگرفته از روزنامه جمهوریت، سال اول، شماره 41، مورخ شنبه 31 سنبله 1352ش)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ